

بررسی تطبیقی ویژگی‌های رفتار خردمندان در شخصیت زال بر اساس مدل سه‌بعدی خرد آردلت

رسول کردنوقابی،^{۱*} نسا کرمی،^۲ آرزو دلفان بیرانوند،^۳ نجمه نظری^۴

۱. دانشیار روان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان
۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان
۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی‌سینای همدان

دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۰

چکیده

خرد مفهوم پیچیده‌ای است که هنوز تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. با این حال میان صاحب‌نظران در این مورد که خردمندی مشتمل بر دانش، بینش، تأمل، تلفیق منافع فرد با رفاه دیگران است، توافقی کلی وجود دارد. به دلیل ماهیت رازگونه خرد، این مفهوم موضوع تحقیق در زمان‌ها، مکان‌ها و فرهنگ‌های مختلف بوده است. از آنجا که خرد با فرهنگ ارتباط نزدیکی دارد و تعریف مشخصی در فرهنگ ایران برای آن بیان نشده است، بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی ویژگی‌های رفتار خردمندان در شخصیت زال بر اساس مدل سه‌بعدی خرد آردلت، به تحلیل و تفسیر خرد و ویژگی‌های خردمندی در **شاهنامه** می‌پردازد. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل **شاهنامه** فردوسی بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، شخصیت زال به عنوان فرد خردمند انتخاب شد. متن **شاهنامه** با روش تحلیل محتوا و با استفاده از سه فرایند پیاده‌سازی، کدگذاری باز و کدگذاری انتخابی مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های خردمند بودن شامل «دین‌داری و اخلاق»، «تفکر/ آگاهی»، «ادراک حقایق و عدم ذهنیت‌گرایی/ فراقفتی»، «همدلی/ عاطفی و حمایت/ خدمت کردن»، «ارتباط و کسب تجارب و ارزش‌های فرهنگی» است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم خرد را می‌توان در قالب پنج بُعد مختلف «معنوی، شناختی، تأملی، هیجانی، اجتماعی و فرهنگی» بیان کرد. بر این اساس این مطالعه جنبه‌های خردمندی را از نظر فردوسی نشان می‌دهد.



واژه‌های کلیدی: خرد، رویکردهای ضمنی و تصریحی خرد، مدل سه‌بعدی خرد آردلت، فرهنگ، زال در شاهنامه.

۱. مقدمه

مفهوم خردمندی در متون فلسفی و دینی قدمتی دیرینه دارد. خرد^۱ به‌عنوان قوه درک، عقل و شعور، سازنده آینده یک انسان، خانواده و یک جامعه است. خرد نیرویی است که پیش از انجام هر کاری انسان را به اندیشه و بررسی عقلانی وامی‌دارد و بر احساس و عوامل دیگر پس از آن تأثیر می‌گذارد (Webster, 2003).

خرد با توجه به نوع پژوهش‌هایی که در مورد آن انجام گرفته به یک متغیر بین‌رشته‌ای تبدیل شده است. بر همین اساس، خرد را می‌توان از ابعاد متفاوتی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفی و ادبی، مورد مطالعه قرار داد. از حدود دو سه دهه اخیر این موضوع وارد مباحث و پژوهش‌های تجربی در عرصه‌های مختلف روان‌شناسی شده است. برای نمونه، خردورزی به‌عنوان یک سازه موردعلاقه در روان‌شناسی و مذهب، مرحله‌ای پیشرفته از رشد بزرگسالی و نشانه اوج رشد شخصیت فرد در نظر گرفته شده است (Kunzmann & Baltes, 2005; Staudinger & Gluck, 2011). خردمندی کیفیت انسانی نادری است (Kunzmann & Baltes, 2005)؛ زیرا به‌دشواری قابل مفهوم‌سازی و عملیاتی شدن است و ماهیت پیچیده آن برای مطالعه، پرهزینه و زمان‌بر است (Sternberg, 2004)؛ اما با وجود چنین موانعی، روان‌شناسان به بررسی این سازه چالش‌برانگیز پرداخته‌اند. بنابراین، بررسی خردمندی به‌عنوان نقطه پایانی ایده‌آل تحول انسانی، انگیزه اصلی مطالعه در زمینه روان‌شناسی است (Clayton & Birren, 1980). پیشینه پژوهشی درباره خرد به مفهوم کهن‌الگوهای یونگ^۲ - کهن‌الگوی پیر خردمند و سوفیا - بازمی‌گردد. از نظر او منبع خردمندی در کشف وجود درونی خود و ترکیب تمایلات متضاد نهفته است (Prewitt, 2000). از سوی دیگر، روان‌شناسی مثبت، خرد را به‌عنوان قدرت اولیه انسان «منظور تعالی انسان» و یکی از نقاط قوت شخصیت‌های بزرگ مطرح می‌کند (Peterson & Seligman, 2004). تا همین اواخر،

مفهوم خرد (Clayton & Birren, 1980) به میزان گسترده‌ای در ادبیات اجتماعی روان‌شناختی فراموش شده بود (Chandler & Hollday, 1990). هر چند این مفهوم در خلال چند سال اخیر به‌ویژه در حوزه‌های توسعه انسانی، سال‌خوردگی موفق و رشد شخصی، عمومیت و محبوبیت پیدا کرده است. حتی بعد از چیزی حدود یک دهه از پژوهش‌های معاصر در مورد خرد، تعریف جامعی از این مفهوم ارائه نشده است. یک دلیل آن احتمالاً این است که خرد مفهومی چندوجهی است که بسیاری از دلالت‌های ضمنی متفاوت را بسته به جهت‌گیری عمومی پژوهشگران به کار می‌گیرد (Ardelt, 1997). آردلت معتقد است به‌رغم دشواری در تعریف خردمندی، میان پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد مبنی بر اینکه، خردمندی مشتمل بر دانش شناختی، درک و بینش، تفکر تأملی و تلفیقی از دیدگاه فرد و منافع فردی در تعامل با منافع و رفاه دیگران است (Ibid, 2011). از نظر ویستر (۲۰۰۵)، خرد پدیده چندبعدی است که صاحب‌نظران ابعاد مختلفی برای آن در نظر گرفته‌اند و حوزه پژوهش هنوز برای یافتن ابعاد دیگر باز است. وبستر خرد را این گونه تعریف می‌کند: خرد شایستگی در اهداف و استفاده از تجربه‌های مهم زندگی برای تسهیل رشد مطلوب خود و دیگران است. راسل^۳ (۲۰۰۵) بین سه رویکرد مطالعه درباره خرد تفاوت قائل شده است. این سه رویکرد عبارت‌اند از: الف) فرایند شناختی یا روش ویژه جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آن‌ها، ب) مطالعه خرد به‌عنوان فضیلت یا رفتار یا ارزش اجتماعی، ج) مطالعه خرد به‌عنوان صفت خوب و مطلوب یا به عبارتی ویژگی شخصیتی مطلوب. از این رو، رویکردهای بررسی خردمندی شامل نظریه‌های ضمنی و تصریحی است.

نظریه‌های ضمنی (تلویحی): نظریه‌های تلویحی سازه‌هایی عقلانی‌اند که در ذهن افراد وجود دارند، از طریق پرسش و استنباط قابل ردیابی‌اند و در رفتار فرد آشکار می‌شوند و از آن‌ها برای قضاوت‌های روزمره درباره افراد و محیط پیرامون آن‌ها استفاده می‌شود. هدف این دیدگاه‌ها ارائه توصیفی از مفاهیم است که با توجه به دیدگاه مردم عادی درست است و به



صحت و سقم این باورها به لحاظ روان‌شناختی پرداخته نمی‌شود (Sternberg & Lubart, 2001).

نظریه‌های تصریحی (آشکار): نظریه‌های تصریحی سازه‌هایی هستند که توسط نظریه‌پردازان متخصص و پژوهشگران ارائه می‌شوند و بر دسته‌ای از داده‌ها استوار هستند و «حداقل در روان‌شناسی» از طریق این داده‌ها آزمون می‌شوند. این داده‌ها از عملکرد افراد در تکالیفی که تصور می‌شود عملکرد روانی را اندازه می‌گیرند، به دست می‌آیند. پژوهش‌ها در نظریه‌های تصریحی پیشرفت قابل‌توجهی در زمینه سنجش شخصیت، ویژگی‌های تفکر بزرگ‌سال و عملکرد افراد در تکالیف وجودی و مبهم زندگی داشته است؛ برای نمونه، بر اساس مدل رشدی اسکات براون^۴ (۲۰۰۲) خرد سازه‌ای است که از شش بُعد مرتبط به هم تشکیل شده است: دانش خود^۵، فهم دیگران، قضاوت، دانش زندگی، مهارت‌های زندگی و اشتیاق به یادگیری.

بر اساس رویکردهای ضمنی و تصریحی خرد، آردلت به بررسی تعریف خردمندی به عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بُعد گسترده شناختی، تأملی و عاطفی پرداخته است که هر یک از آن‌ها باید وجود داشته باشند تا هر فرد خردمند در نظر گرفته شود (Ardelt, 2004). **بُعد شناختی** نشان‌دهنده میل به دانستن حقیقت و رسیدن به درک عمیق‌تری از زندگی، از جمله پذیرش وجوه متناقض^۶ ماهیت انسان، محدودیت‌های دانش و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن زندگی است. برای رسیدن به این فهم عمیق‌تر از واقعیت، فرد باید در ابتدا از طریق عمل خود - تأملی بر فعالیت و تجلیات خود (تمایل به سرزنش کردن دیگران برای وضعیت خود) غلبه کند (Ibid, 2003). **بُعد شناختی** شامل برخورداری از دانشی است که جنبه‌های مثبت و منفی طبیعت انسان و پذیرش آن‌ها و اذعان داشتن به محدودیت ذاتی دانش و پیش‌بینی‌ناپذیری و عدم قطعیت زندگی را در بردارد (ergsma & Ardelt, 2012). **بُعد تأملی** نشان‌دهنده خودآزمایی، خودآگاهی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف است (Ardelt, 2003). آردلت (1997) تأمل را دیدن پدیده‌ها از دیدگاه‌های متفاوت، فارغ از

سوگیری‌های مربوط به نفع شخصی تعریف کرده است. بُعد عاطفی به عنوان «عشق همدلانه و دلسوزانه برای دیگران» تعریف شده است که نگرشی همدلانه و مثبت نسبت به دیگران است (Ardelt, 2003). استادینگر و گلوک (۲۰۱۱) بیان کردند که افراد خردمند علاوه بر اینکه قادرند از نظر شناختی چشم‌انداز دیگران را ببینند، از سطح علائق شخصی خود فراتر می‌روند و عمیقاً به رفاه دیگران فکر می‌کنند. این مراقبت به خانواده و نزدیکان محدود نمی‌شود؛ بلکه از آن‌ها فراتر می‌رود و کل جامعه انسانی را در برمی‌گیرد. به دلیل همین نگرش است که افراد خردمند معمولاً درگیر فعالیت‌های اجتماعی برای منفعت رساندن به دیگران می‌شوند.

بر اساس مفهوم خرد در فرهنگ ایران، می‌توان خرد، فرهنگ و دانش را سه ضلع یک مثلث فرهنگ ایرانی دانست که در نبود هر کدام دیگری به تکامل نمی‌رسد و ارتباط آن دو را قطع می‌کند. با دست یافتن به این سه امر انسان به درجات کمال و انسانیت دست خواهد یافت. نیاکان کشورمان به‌درستی بر معجزه این سه نیرو در تکامل و پیشرفت جامعه آگاه بودند، به نحوی که خرد را می‌توان رأس این مثلث انسان‌ساز چندین هزار ساله ایرانی دانست؛ زیرا در صورت وجود خرد انسان به‌درستی به فرهنگ و دانش دست خواهد یافت؛ ولی در صورت عدم وجود خرد، دانش و فرهنگ کارگشا نخواهند بود (حمیدیان، ۱۳۸۷).

خرد مفهومی بسیار ارزشمند در فرهنگ ایرانی است؛ زیرا نخستین سخن فردوسی در *شاهنامه* درمورد خرد است. درواقع *شاهنامه* کتابی است که برترین موضوع آن درباره خداشناسی، خرد و فرهنگ و دانش است. از آنجا که فردوسی خرد را برترین قوه انسان‌ساز بشریت می‌داند و حتی فراتر از آن می‌رود و خرد را نجات‌دهنده انسان در سرای پسین می‌داند (ریاحی، ۱۳۸۰)، می‌توان گفت *شاهنامه* فردوسی با ذهن و روح بشر آشناست؛ به گونه‌ای که از شگفت‌انگیزترین و رمز آلوده‌ترین ابعاد وجودی - روانی انسان پرده برمی‌دارد. از این رو، خرد یکی از موضوعات بنیادین *شاهنامه* است. آفریدگار *شاهنامه* خرد را حد برتر آفرینش دانسته است و خوبی و نیکی، غم و شادی، پیروزی و شکست و دستیابی به جاه و مقام مادی و معنوی را نتیجه بودونبود خرد می‌داند (مینوی، ۱۳۸۵). قدرت شگرف فردوسی در شناخت



عمیق انسان‌ها و به تصویر کشیدن عواطف و روحیات رنگارنگ بشری حیرت‌آور است؛ زیرا انسان آرمانی که فردوسی در **شاهنامه** مطرح می‌کند، انسانی پاکزاد و پاک‌سرشت است. از نظر فردوسی فرد خردمند درست‌اندیش است به‌نحوی که دانش و راستی و پیروزی او را در مراحل گوناگون زندگی پرفرازونشیب فردی و اجتماعی تضمین می‌کند (تراپی، ۱۳۷۶). برای نمونه می‌توان به شخصیت زال به‌عنوان نماد خردمندی از نظر فردوسی اشاره کرد. زال با گذراندن سال‌های زندگی نزد سیمرغ تحت تأثیر تعلیم و تربیت او قرار می‌گیرد. زال پرورده سیمرغ است؛ پرنده‌ای اسطوره‌ای که خود مظهری دیگر از حکمت و خردورزی است و واجد همه مختصات پیر فرزانه در اساطیر ایرانی است. چنان‌که در **اوستا** سئنه «سیمرغ» نام مردی وارسته و پارساست که در «فروردین‌یشت» - که ویژه ستایش روان پاک‌دینان و رادمردان گذشته‌های دور است - ستوده شده است. حاصل آنکه سیمرغ نماد مردی دانا و پارساست که به‌عنوان مربی و آموزگار زال در حماسه نقش‌آفرینی می‌کند (اوشیدری، ۱۳۷۸: ۳۱۵، ۳۴۰). از این روی، خرد ناب زال از سرچشمه‌ای نشئت می‌گیرد که دیگران را بدان راهی نیست و خاص اوست. چیرگی و چرب‌دستی زال در اندیشه و دانایی و فرزانی بی‌همتای او به‌ویژه در مجلسی که منوچهر در حضور مغان و دانایان برای آزمودن او ترتیب می‌دهد، آشکار می‌شود:

چنین گفت پس شاه گردن فراز	کزین هرچه گفتید دارید راز
بخواند آن زمان زال را شهریار	کز خواست کردن سخن خواستار
بدان تا بپرسند ازو چند چیز	نهفته سخن‌های دیرینه نیز
نشستند بیداردل بخردان	همان زال بانامورموبدان

(۱۲۵۰-۱۲۴۷: فردوسی، ۱۳۸۲)

بنابراین، با نظر به پیشینه بسیار ویژه و خاص زال در طول زندگی از تولد تا بلوغ، همچنین بر اساس پردازش بسیار هنرمندانه و قوی فردوسی از شخصیت او، می‌توان بیان کرد که زال نمادی از خرد و اندیشه در **شاهنامه** است که تمام ظرفیت‌های یک انسان کامل را داراست.

اگرچه، از لحاظ قدمت، روان‌شناسی و ادبیات با هم قابل مقایسه نیستند؛ اما پیوند عمیقی بین این دو وجود دارد. اگر بر آن شویم که با دید گسترده روان‌شناسی ملت و قومی را ارزیابی کنیم، بدون بررسی ادبیات آن ملت راه به‌جایی نمی‌بریم، زیرا ادبیات روان‌شناسی مکتوب قرن-هاسست که حکیم فردوسی با عالی‌ترین وجه از پس این امر مهم برآمده است (صفا، ۱۳۶۹). بر همین اساس، ابوالقاسم فردوسی یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان خردگرایی در ایران سده چهارم است، به‌گونه‌ای که قرن‌ها پیش از عصر روشنگری و خردگرایی در سده هفدهم و هجدهم و سال‌ها قبل از آنکه فیلسوفانی همچون ولتز^۷، روسو^۸ و دکارت^۹ منادی جنبش خردگرایی در اروپای دوران رنسانس گردند، سردمدار تفکر خردگرایی بود. با وجود اینکه خرد حوزه‌ای است که در فرهنگ ایرانی بسیار به آن اشاره شده است، بر آن شدیم که بحث خرد را موضوع پژوهش قرار دهیم.

یکی از عواملی که باعث شد تا چنین نگاهی به *شاهنامه* فردوسی در دستور کار پژوهش قرار بگیرد، بحث فقر پژوهش در این عرصه بود. به‌ویژه در زمینه *شاهنامه*، اثر قابل‌توجه و شایسته‌ذکری در این عرصه دیده نمی‌شود.

از آنجا که مفهوم خرد با فرهنگ ارتباط نزدیکی دارد و تعریف مشخصی در فرهنگ ایران برای آن بیان نشده و از طرفی ممکن است پژوهش‌ها و مطالعات در زمینه خرد با پیشینه و فرهنگ جامعه ایرانی همخوانی نداشته باشد در این پژوهش سعی شده است که مؤلفه‌های خردمندی در فرهنگ ایرانی بر اساس شخصیت زال در *شاهنامه* تعیین شوند و با توجه به مؤلفه‌ها به تعریفی از خردمندی که با فرهنگ ایرانی هم‌خوانی داشته باشد، دست‌یابیم.

با توجه به اینکه مفهوم خرد بر اساس فرهنگ در جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوت تعریف شده است و نظریه‌پردازان مختلف هر کدام تعریفی متفاوت از خرد ارائه داده‌اند، به نظر می‌رسد بررسی مفهوم خرد در *شاهنامه* فردوسی بر اساس «شخصیت زال» به‌دلیل قدمت دیرینه آن در فرهنگ ایران بتواند ما را به درک و شناخت بهتری از مفهوم خرد و ویژگی‌های خردمندی بر اساس بافت فرهنگی برساند؛ به‌نحوی که بتوان به وجوه تشابه و تفاوت‌های خرد



در *شاهنامه* فردوسی با نظریه مدل سه‌بعدی خرد آردلت پی برد. از طرفی با توجه به اینکه مدل سه‌بعدی خرد آردلت در مقایسه با دیگر الگوهای خرد (مانند نظریه توازن خرد^۱، پارادایم برلین، مدل پنج عاملی خرد، مدل رشدی خرد، دیدگاه فرایندی خرد^{۱۱}) یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های حوزه خرد است - به نحوی که بیشتر صاحب‌نظران در مورد آن توافق دارند (کردنوقابی، ۱۳۹۶) - و اینکه به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های خرد مطرح شده توسط آردلت یعنی بعد شناختی، تأملی و عاطفی، با دیدگاه فردوسی مطابقت داشته باشد، از این مدل به عنوان معیار و چارچوبی برای بررسی مفهوم خرد در *شاهنامه* سود برده شد. از این رو، تلاش ما در این پژوهش دستیابی به این مفهوم است که خرد از نظر فردوسی چه تعریفی و چه مؤلفه‌هایی دارد. در راستای این مسئله سؤال ما در این پژوهش این است که ویژگی‌های فرد خردمند که در شخصیت زال نمود آن دیده می‌شود دارای چه مؤلفه‌هایی است و تا چه حد این ویژگی‌ها با نظریه سه‌بعدی خرد آردلت مطابقت دارد.

۲. پیشینه پژوهش

استرنبرگ (1986) در پژوهشی درباره ماهیت هوش، خلاقیت و خردمندی شش عنصر توانایی استدلال، زیرکی و ذکاوت، یادگیری از محیط، قضاوت، استفاده سریع و بلافاصله از اطلاعات و هوشمندی را به عنوان عناصر زیربنایی به دست آمده برای خردمندی بیان کرد. کردنوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۵) در پژوهشی در زمینه نظریه‌های ضمنی خرد در ایران مؤلفه‌های خرد را شناخت، همدلی/حمایت، دانش/انعطاف‌پذیری، خود تعیین‌گری/ابراز وجود و دینداری بیان کردند. همچنین، کردنوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روان‌شناسی خرد»، نشان دادند که مفهوم خرد را می‌توان در قالب چهار شکل مختلف «دینداری، همدلی/حمایت، شناخت/علم و شخصیت» بیان کرد. همچنین در پژوهشی با عنوان «خرد، خلاقیت، هوش» نشان داده شد که همبستگی مثبتی بین سه ساختار روان‌شناسی خرد، خلاقیت و هوش وجود دارد (کردنوقابی و دلفان بیرانوند، ۲۰۱۷).

آردلت (2009) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین خرد و پیری و سوابق خرد، نشان داد که محیط اجتماعی از اوایل دوران بلوغ، تأثیر مثبت و معنادار بر چهل سال آینده دارد؛ اما ویژگی‌های شخصیتی در طول سال‌های اولیه زندگی و کیفیت دوران کودکی اثر بلندمدتی را نشان نداد. نتایج او نشان داد که خرد در سال‌های بعد دارای اثر مثبت بر رضایت از زندگی زنان از لحاظ فیزیکی، سلامت و کیفیت روابطشان با خانواده است. همچنین آردلت (۲۰۱۲) در زمینه بررسی تجربی میان خرد و شادی نشان دادند که رابطه مثبت متوسطی بین خرد و شادی وجود دارد و این دو مفهوم با یکدیگر در تعارض نیستند. در پژوهشی با عنوان «ارتباط خرد و شادی در شاهنامه» نشان داده شد که خرد نوری است که از جانب خداوند با آینه جان حکیم بر سراسر شاهنامه تابیده شده است. شناخت و دریافت ایرانی از جهان و انسان، دریافتی خردمندانه و درعین حال معنویت‌گراست و ایرانیان توانسته‌اند بین این دو جنبه، حدی از سازگاری و هماهنگی ایجاد کنند و از این جهت فرهنگ ایرانی سربلندی و برتری دارد. در فرهنگ ایرانی تدبیر و خرد انسانی همراه با دینداری و معنویت است و یکی از این دو به‌تنهایی کارساز نیست و انسان را به کمال نمی‌رساند (مشایخی، ۱۳۸۸). در پژوهشی، برزینا^{۱۲} و پیتز^{۱۳} (2012) تأثیر مذهب و فرهنگ را در مفهوم خرد، در نمونه‌هایی از پنج کشور اکوادور، هند، اندونزی، مالزی و امارات متحده عربی بررسی کردند و نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تأثیر تفاوت‌های بین فرهنگ‌ها به مراتب بیشتر از تأثیر مذهب بر مفاهیم خرد است. وبستر (2010) در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط بین خرد و ارزش‌ها» بیان کردند که ارزش‌ها در ارتباط با بهزیستی (تمرکز بر رشد شخصی، دستیابی به معنا، نقش مثبت در کمک به دیگران و جامعه) نسبت به ارزش لذت بردن (پیگیری سرگرمی و لذت فقط برای خود) بیشتر با خرد ارتباط دارند. در پژوهشی بین فرهنگی، تاکاهاشی و بردیا^{۱۴} (2000) بر اساس یک نمونه ۴۷ نفری از دانشجویان آمریکایی - آفریقایی، آمریکایی - آسیایی، اروپایی - آمریکایی و تعدادی مهاجر از هند، ژاپن، کره و فیلیپین در یکی از دانشگاه‌های آمریکا به‌منظور بررسی مفهوم خردمندی، نشان دادند که ویژگی‌های فرد ایده‌آل در نمونه‌های شرقی و غربی متفاوت است.



دانشجویان آمریکایی و استرالیایی کلمات باهوش و عاقل، و ژاپنی‌ها خردمند و معقول و باملاحظه را به عنوان صفات یک فرد ایده‌آل در نظر گرفتند. اگرچه هندی‌ها صفات خردمند و باهوش را برای یک فرد ایده‌آل در نظر داشتند؛ اما به صفت معقول و باملاحظه نیز توجه داشتند. هالیدی و چندلر (1986) مجموعه پژوهشی مبتنی بر تصورات قالبی بر روی مفاهیم کانادایی‌ها از خردمندی انجام دادند و در تحلیل عاملی به پنج عامل درک استثنایی، قضاوت و مهارت‌های ارتباطی، صلاحیت عمومی، مهارت بین فردی و محبوبیت اجتماعی دست یافتند. هو^{۱۵} (2015) در پژوهشی نشان داد که خرد در فرهنگ شرقی (چین) با کمک به دیگران، عشق و بخشش ارتباط معنادار دارد. در پژوهشی با عنوان «خرد و خاستگاه‌های آن در شاهنامه فردوسی» (صرفی، ۱۳۸۳) ذکر شده که تنوع مصادیق و پیچیدگی مفهوم خرد سبب شده است که تعاریف و تقسیم‌بندی‌های متعددی از آن توسط اندیشمندان و پژوهشگران ارائه شود. این امر با وجود آنکه بسیار مفید است؛ ولی از عهده تبیین دقیق دایره شمول خرد برنمی‌آید. در پژوهشی با عنوان «خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی» (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹) نشان داده شد که خرد را می‌توان مهم‌ترین مفهوم مطرح‌شده در شاهنامه فردوسی دانست. این مفهوم هنگامی که در عرصه اداره کشور قلمرو انسان قرار می‌گیرد رنگ و بوی سیاسی می‌یابد و می‌توان از آن به عنوان «خرد سیاسی» تعبیر کرد. در پژوهشی با عنوان «ارزیابی کیفی و کمی مفهوم خرد» (ملک محمدی و همکاران، ۱۳۹۳) چهار عامل برای خرد نشان داده شد: درست‌کرداری و اخلاق‌مداری، کمال‌گرایی، اندیشمندی و مردم‌دوستی.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر براساس «تحلیل محتوا» است. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی انجام شده است. رویکرد کیفی تلاشی است جهت توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها، حوادث، فیلم‌ها، محتوای کتب و تلاشی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی مورد نظر انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی. در روش کیفی نگاه امیک (نگاه درون) به پدیده‌ها وجود دارد. در این

حالت مقولات فکری گروه مورد پژوهش برای توصیف نگرش‌ها و رفتارهایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد و توجه به تجزیه و شرح آن از خصوصیات محوری پژوهش کیفی است (علی احمدی، ۱۳۸۶). از این رو، پژوهش حاضر برای دستیابی به مزیت روش کیفی با استفاده از رویکرد کیفی صورت گرفته است و داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل اشعار مورد بررسی قرار گرفتند. بر مبنای این تعاریف، در این پژوهش برای تحلیل محتوای مفاهیم اشعار *شاهنامه* فردوسی، از روش تحلیل محتوای آشکار (تحلیل محتوای آشکار به آن بخش از تحلیل گفته می‌شود که به توصیف جنبه‌های مشاهده‌پذیر و جزئیات ملموس محتوا می‌پردازد) سود برده شد. جامعه موردنظر در این پژوهش *شاهنامه* فردوسی و نمونه پژوهش شامل زال شخص خردمند در *شاهنامه* فردوسی است که تحلیل‌های انجام‌شده از حضور این شخصیت در داستان‌های پادشاهی منوچهر، زادن زال، داستان زال و رودابه، زادن رستم، پادشاهی نوذر، پادشاهی زو، پادشاهی گرشاسب، پادشاهی کیقباد، پادشاهی لهراسپ، پادشاهی گشتاسپ، هفت‌خان اسفندیار، داستان رستم و شغاد، پادشاهی بهمن پسر اسفندیار صورت گرفته است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری هدفمند به‌کار گرفته شده است؛ زیرا زال در *شاهنامه* پیر داناست. «پیر دانا یعنی تفکر، شناسایی، بصیرت، دانایی و تیزبینی». از این رو، زال پسند خرد است (مورنو، ۱۳۷۶)؛ زیرا در *شاهنامه*، زال هم پدر حماسه و هم پیر رایزن آن است. او می‌تواند نمونه انسان کاملی باشد که به مرحله پدران - پیر رسیده است. او از یک‌سو بزرگ‌ترین و پیرترین رایزن راهنمای *شاهنامه* است و از سوی دیگر پدر رستم قهرمان حماسه ملی است و این دو ویژگی به معنای خردمندی و دانایی است. در نقد اسطوره‌ای یونگ پدر نیز سمبل خرد و تفکر است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۲). از این رو، از دیدگاه یونگ صعود از کوه به آزمون قدرت اشاره دارد. یعنی آزمون اراده دستیابی به خودآگاه خویشتن خویش. از این دیدگاه نیز حضور زال در کوه البرز نشانه اراده مصمم او برای رسیدن به خرد و خودآگاهی است (یونگ، ۱۳۷۷).



بنابراین، در این پژوهش به شناسایی ویژگی‌های شخصیت زال و تعیین مؤلفه‌های خرد پرداخته شده است. ابتدا چند بار اشعار و داستان‌هایی که در *شاهنامه* فردوسی درباره شخصیت زال سروده شده بود، با مبنای قرار گرفتن نظریه سه‌بعدی آردلت در رابطه با خرد و ویژگی افراد خردمند مطالعه، بررسی و بازخوانی شد. برای کسب اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج، اقدامات مختلفی صورت گرفته است. به این صورت که ابتدا بعد از پیاده‌سازی اولیه، کدگذاری تحلیل‌ها انجام و مؤلفه‌های استخراج‌شده توسط هر کدام از کدگذاران بررسی شد. برای تعیین روایی، کدگذاری به وسیله سه محقق صورت گرفت و ضریب همبستگی بین آن‌ها از طریق ضریب کاپا ارزیابی شد. اندازه توافق کاپا ۷۵٪ با سطح معنی‌دار $P < ۰/۰۰۱$ به دست آمد که بر اساس نظر پیت (۲۰۰۱)، به نقل از شریفی و شریفی (۱۳۸۷) یک توافق خوب محسوب می‌شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای آشکار برای استخراج مؤلفه‌ها استفاده شد. روش تحلیل داده‌ها به این صورت بود که اطلاعات مورد نیاز به دست آمده از تحلیل قسمت‌های مشخص‌شده از اشعار *شاهنامه* فردوسی در برگه ثبت اطلاعات ثبت شدند. کدگذاری در سه مرحله انجام شد: ۱. کدگذاری باز (شامل خواندن خط به خط اشعار، استخراج مفاهیم و جملات اصلی در رابطه با خرد، تشکیل مقولات و طبقات اولیه). به عبارتی دیگر مرحله کدگذاری باز شامل خواندن خط به خط اشعار مربوط به شخصیت زال، استخراج مفاهیم و جملات اصلی، تشکیل مقولات طبقات اولیه بود. در ابتدا و در قالب مرحله کدگذاری باز، به هر مفهوم موجود در اشعار در رابطه با خرد (عقل، دانش، دانایی، ادراک، هوشیاری و ...) یک برچسب داده می‌شد و بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم، تعداد زیادی کدهای باز و خام پدیدار شدند. ۲. کدگذاری محوری (شامل طبقه‌بندی داده‌ها بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی زال، مشخص کردن زیر طبقات، تشکیل طبقات نهایی). در مرحله کدگذاری محوری، هر تعداد از کدهایی که از نظر مفهوم و خصایص مرتبط با ویژگی‌های خرد بودند، گردآوری و به محوریت یک مقوله سازمان‌دهی شدند. بدین ترتیب، فرایند خرد کردن تحلیل اشعار به کدها و زیر مقوله‌ها در کدگذاری باز انجام گرفته بود. در این مرحله به

مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد. ۳. کدگذاری انتخابی (یکپارچه کردن مقولات برای ساخت نظری)، کدگذاری انتخابی نیز با استفاده از انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی ویژگی‌های خرد و کم‌خرد به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. این مرحله با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها، به‌منظور پدیداری مقوله‌های اصلی و نظریه انجام شد، به‌نحوی که در کدگذاری انتخابی تلاش شد انتخاب مقوله‌ها به‌گونه‌ای صورت پذیرد که مقوله اصلی استخراج‌شده مفاهیم اصلی پدیدآمده در مراحل قبل را پوشش دهد؛ برای نمونه از ترکیب کدهای «اخلاق و دینداری» یک عنوان کلی «معنوی» شکل گرفت که به‌عنوان یکی از ابعاد خردمندی شناخته گردید. در این مرحله برای نمایش بهتر، نتایج در قالب جدول ارائه شدند.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های خردمندی در شخصیت زال

شخصیت (زال)	بعد معنوی	دینداری
		داشتن دین، گناه نکردن، توجه نکردن به زیبایی‌های زودگذر دنیا، شروع هر کاری با نام خدا، ستایش یزدان، امید به یزدان، سپاسگزاری یزدان، یاری خواستن از یزدان در مواجهه با سختی و وسوسه‌های دنیا (گذشتن از تاج‌وتخت شاهی)، توجه به یاری خدا، اعتماد به یزدان، دعوت به دینداری، یکتاپرستی، عدم توجه به هوا و هوس، توجه به مرگ و دل نبستن به دنیا (چون هر کس تاج و تخت را بگذارد و برود و مرگ دامن هر کس را می‌گیرد)، راز و نیاز با یزدان.
		اخلاق
		اهل احترام، سخن دلپذیر گفتن، صداقت داشتن، خویشتن-داری، رازداری، دروغ نگفتن، شرم و حیا داشتن، جوانمرد بودن، اندازه سخن گفتن، مغرور نبودن، طمع نداشتن، تواضع و فروتنی، قدرشناس بودن، ظلم نکردن و آزار



نرساندن، بی‌وفا نبودن، بدخواه نبودن، کینه نداشتن، اهل فریب و نیرنگ نبودن، اهل عذرخواهی بودن، شکیبیا بودن، شرم داشتن در مقابل رفتار نادرست، پارسا بودن، عیب‌گویی نکردن.		
هوش، آگاهی داشتن، تفکر و اندیشه صحیح، دانش داشتن، جست‌وجوی اطلاعات، مطالعه کردن نوشته، پاک‌رأی بودن، توجه به علم و دانشمندان، دبیری و نویسندگی، دانایی و دانستن، درک امور، پیش‌بینی امور، بیدار بودن و هشیاری، فکر روشن، انتخاب مناسب، تصمیم‌گیری مناسب، بررسی حقیقت مسائل، شناسایی مسائل و کسب آگاهی از آنها، شناخت جنبه‌های منفی و مثبت مسائل، فهمیدن حقایق از دروغ.	تفکر و آگاهی	بعد شناختی
دیدن پدیده‌ها از چشم‌انداز متفاوت، بررسی امور از زوایای گوناگون، شک و تردید کردن در مورد مسائل، سنجیدن دشمن برای صدق گفتار، چاره‌جویی، در نظر گرفتن همه جوانب رأی و اندیشه، بررسی راه‌حل‌ها، نگاه عمیق به مسائل، شناسایی مسائل، بررسی و علت مسائل روی داده در گذشته و جلوگیری از رخ دادن آنها در آینده.	ادراک حقایق	بعد تأملی
آزمودن خود و دیگران در برخورد با مسائل، خودرأی نبودن، خودشناسی، شناخت مهارت‌ها و توانایی‌های خود، پذیرفتن خطاهای خود، سنجیدن و آزمایش کردن افراد جهت انجام امور، دادن فرصت به دیگران، شناسایی خطاکار، توجه به رأی و اندیشه دیگران.	عدم ذهنیت-گرایی / فرافکنی	
نترسیدن و کنترل ترس، خوشرو بودن، نرم‌خو بودن، مهربانی کردن، شادی، درک کردن دیگران، همدل بودن،	همدلی و عاطفه	بعد هیجانی

کنترل خشم، گذشتن از خطای دیگران، شجاعت - عشق، آراستگی، آرام کردن دیگران، دلداری دادن دیگران، حسادت و تنفر نداشتن، کنترل هیجانات (خشم، ترس، شادی و غمگینی بیش از حد) و معتدل کردن آن‌ها، امید داشتن.			
داد و بخشندگی، نیکی کردن، امنیت، یار بودن، بی‌توجهی به نفع شخصی، خدمت کردن به مردم و کشور، آبادانی جامعه، تلاش برای آسایش و رفاه مردم، راهنمایی کردن، پشتیبانی کردن، به فکر مردم بودن، نرم کردن دل دیگران، نجات مردم از ستم، توجه به درخواست و شکایت مردم، توجه به نیازمندان، دادرس بودن، مشاور بودن، بی‌تفاوت نبودن، پرستاری کردن، کمک به فقرا.	حمایت/خدمت کردن		
مشورت با بزرگان، سفر و ارتباط با دیگر جوامع و فرهنگ‌ها، تشکیل انجمن‌ها، گفتن رأی و اندیشه خود با مشاوران، همراهی با بزرگان، مسئولیت‌پذیری، فراهم کردن امکانات و شرایط، داشتن دوستان، همراه بودن با کارآزمودگان.	ارتباط	بعد	
درگیر بودن در فراز و نشیب‌ها، آموختن امور زندگی، آموزش دیدن، پذیرش پند و نصیحت‌ها، کسب هنرها (مهارت‌ها و توانایی‌ها)، مواجهه شدن با مشکلات و درس آموختن، سختی کشیدن و روبه‌رو شدن با موانع متعدد، تحمل رنج و سختی، عمل به پند و اندرز، پذیرش رنج و سختی برای رسیدن به کمال، پرسش کردن، جهان‌دیده، سال‌ها زندگی کردن.	کسب تجارب	اجتماعی و فرهنگی	



	مبارزه کردن با ناهلان (جلوگیری از نابودی ارزش‌ها)، آموختن ارزش‌ها و راه و رسم فرهنگ کشوری، پهلوانی، پیمان بستن، حفظ راه و رسم، دفاع از فرهنگ و کشور، نابودی ظالمان و ستمگران، مراقب و نگهبان بودن، برقراری صلح و آرامش و آشتی، استقامت در برابر ناملايمات، فرمان‌برداری، تعهد داشتن و پایبندی، اعتقاد و نیت پاک، گفتن همه حقایق، اهل تلاش و کوشش، حفظ فرهنگ و آیین و دین، حفظ عزت، مجازات گناهکاران، توجه به فریب و نیرنگ اطرافیان و غافل نشدن، فرهنگ- داری، جلوگیری از جنگ و خونریزی.
--	---

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های خردمندی در شخصیت زال بر اساس دیدگاه فردوسی شامل بُعد معنوی، بعد شناختی، بعد هیجانی، بعد اجتماعی/ فرهنگی است که بدین شرح است:

۴-۱. بعد معنوی

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای خرد در شخصیت زال، یکی از بعدهای خردمندی، معنویت است که دو زیر مؤلفه دینداری و اخلاق دارد. از این رو، خردمندی شامل دینداری (یزدان‌پرستی، یاری جستن از خدا، شروع هر کاری بانام یزدان، سپاسگزاری خدا، امید به خدا) و اخلاق (صادق بودن و راست‌گویی، تواضع و فروتنی، شکیبا بودن، پارسایی و تقوا، احترام گذاشتن، آزار نرساندن، قدرشناس بودن) است. بنابراین، دینداری و اخلاق لازمه بُعد معنوی خرد هستند (شرط لازم). بر اساس تحلیل محتوا، فرد زمانی خردمند شناخته می‌شود که بُعد معنوی آن تقویت شده باشد؛ زیرا بعد معنویت (دینداری و اخلاق) زمینه‌ساز خرد و عامل بازدارنده در برابر تحریک‌های نامناسب است. برای نمونه، زمانی که زال با موانع روزگار زمان خود مواجه می‌شود با یاد یزدان و یاری جستن از او و رعایت اخلاق به پیروزی دست پیدا

می‌کند و مانع از شکست زال و منحرف شدن او می‌شود. زال با آنکه از ابتدای تولد مورد بی-مهری پدر قرار گرفت، اما همواره به سام احترام می‌گذاشت و در برابر او ادب را حفظ می‌کرد. پس از آنکه منجمان از حساب ستارگان خبر دادند که زال پهلوانی بزرگ و جنگاوری نامدار و همه عمر پشت‌وپناه سپاه و نگهبان تاج‌وتخت خواهد شد، سام فرمانروائی ناحیه را به پسر می-سپارد و او را به رفتار خردمندانه و عدالت‌گستری اندرز می‌دهد. زال تا دو منزل همراه پدر می‌رود و او را بدرقه می‌کند، سپس با یکدیگر وداع می‌کنند.

۲-۴. بعد شناختی

دومین بعد به‌دست آمده از خردمندی در شخصیت زال بر اساس تحلیل محتوا، شناخت است که از زیرمؤلفه تفکر / آگاهی تشکیل می‌شود. بعد شناختی نشان می‌دهد عامل دیگری که زمینه‌ساز خردمندی است، تفکر / آگاهی (فکر و اندیشه صحیح، دانش، کسب آگاهی، تصمیم‌گیری، پیش‌بینی، انتخاب درست، علم و دبیری) است. شناخت صحیح امور (اعم از تفکر / آگاهی) ملاکی بسیار مهم برای خردمندی است؛ زیرا زمانی که افراد به لحاظ شناختی، به‌درستی عمل می‌کنند، در برخورد با محرک‌های ناپه‌ن‌جار می‌توانند رفتار خود را کنترل و بر محرک‌های منجرکننده مسلط شوند. برای نمونه زال به لحاظ شناختی با تفکر، کسب آگاهی، رستم را در مبارزه با اسفندیار راهنمایی کرد. زال به فرمان شاه از طرف موبدان مورد پرسش قرار می‌گیرد و با اندیشه و دانش و عقل به سؤال‌های آنان پاسخ می‌دهد. موبدان خردمندی او را تحسین می‌کنند.

۳-۴. بُعد تأملی

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای خرد در شخصیت زال، یکی دیگر از ابعاد خردمندی، بُعد تأملی است که دو زیر مؤلفه ادراک حقایق و عدم ذهنیت‌گرایی / فرافکنی را شامل می‌شود. از این رو، خردمندی شامل ادراک حقایق (دیدن پدیده‌ها از چشم‌انداز متفاوت، بررسی امور از



زوایای گوناگون، شک و تردید کردن در مورد مسائل، سنجیدن دشمن برای صدق گفتار، چاره-جویی، در نظر گرفتن همه جوانب رأی و اندیشه، بررسی راه‌حل‌ها، نگاه عمیق به مسائل، شناسایی مسائل، بررسی و علت مسائل روی داده در گذشته و جلوگیری از رخ دادن آن‌ها در آینده) و عدم ذهنیت گرایی/ فرافکنی (آزمودن خود و دیگران در برخورد با مسائل، خودرأی نبودن، خودشناسی، شناخت مهارت‌ها و توانایی‌های خود، پذیرفتن خطاهای خود، سنجیدن و آزمایش کردن افراد جهت انجام امور، دادن فرصت به دیگران، شناسایی خطاکار، توجه به رأی و اندیشه دیگران) است. تأمل و بازنگری به تفکر عمیق درباره چیزها، انسان‌ها، خودشان و نیز تفکر قبل از حرف و عمل گفته می‌شود. بر اساس تحلیل محتوا فرد زمانی خردمند در نظر گرفته می‌شود که بُعد تأملی او تقویت شده باشد. بعد تأملی زمینه‌ساز خرد و عامل درک عمیق پدیده‌هاست. رسیدن به درک عمیق‌تر از زندگی تنها از این طریق ممکن است که فرد واقعیت را همان‌طور که هست ببیند و تحریف عمده‌ای در آن ایجاد نکند. برای این کار فرد باید بتواند پدیده‌ها را از چشم‌اندازهای گوناگون ببیند که خود باعث رشد خودآگاهی می‌شود؛ یعنی بینش فرد را از خودش افزایش می‌دهد. کسی که خود را بشناسد، نقاط ضعف و محدودیت‌های خود را هم درباره تفسیر واقعیت‌ها می‌شناسد. بنابراین، درک می‌کند که ممکن است دیدگاه او تنها دیدگاه موجود نباشد و دیگران نظر متفاوتی داشته باشند. او چون خود را می‌شناسد قادر است بین چشم‌انداز خود و دیگر چشم‌اندازها تمایز قائل شود و بنابراین به حقیقت موجود در پدیده‌ها نزدیک‌تر می‌شود. نتیجه چنین رشدی کاهش خودمحوری، ذهنیت‌گرایی، فرافکنی و افزایش بینش فرد در مورد ماهیت واقعی پدیده‌ها و نیز درک انگیزه رفتارها در خود و دیگران خواهد بود. در چنین حالتی است که افراد دست از سرزنش دیگران و یا شرایط به دلیل موقعیتی که در آن هستند، برمی‌دارند. نگاه تأملی به شرایط موجودمان به ما کمک می‌کند تا تحلیل‌هایمان را عمیق‌تر کنیم و در متهم کردن دیگران، شرایط، دنیا، خدا و هر علت بیرونی دیگر محتاط‌تر باشیم. برای نمونه، زال هنگام لشکرکشی سوی گرگساران و مازندران، به

بررسی راه‌حل‌های مبارزه می‌پردازد و چاره‌جویی می‌کند، نظر و پیشنهاد موبدان و خردمندان را می‌پرسد و با خودرأیی تصمیم نمی‌گیرد.

۴-۴. بعد هیجانی

نتایج حاصل از تحلیل محتوا نشان می‌دهد که یکی از عوامل خردمندی، بُعد هیجانی است که دو زیرمؤلفه همدلی/عاطفی و حمایت/خدمت کردن را شامل می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت همدلی/عاطفی (کنترل و تنظیم خشم، ترس، شادی و غمگینی، درک کردن دیگران، همدل بودن، دلداری دادن، امید داشتن، شجاعت، آرام کردن دیگران) و حمایت/خدمت کردن (بی‌توجهی به نفع شخصی، خدمت کردن به مردم و کشور، آبادانی جامعه، تلاش برای آسایش و رفاه مردم، راهنمایی کردن، پشتیبانی کردن، به فکر مردم بودن، نرم کردن دل دیگران، نجات مردم از ستم، توجه به درخواست و شکایت مردم، توجه به نیازمندان، دادرسی بودن، مشاور بودن، بی‌تفاوت نبودن، پرستاری کردن، کمک به فقرا) از نظر هیجانی مهم و زمینه‌ساز خردمندی است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های افراد خردمند داشتن کنترل هیجانات است. افرادی که به لحاظ هیجانی در شرایط مناسبی قرار دارند (حفظ و کنترل متعادل هیجانات) در برخورد با چالش‌های زندگی به شیوه مناسب عمل می‌کنند. برای نمونه، زال چون کنترل هیجانی مناسب داشت توانست از بدی‌هایی که پدرش در حق او کرد بگذرد (کنار گذاشتن کینه و خشم) و به پدر خدمت (کمک به پدر در امور کشورداری، راهنما بودن) کند. این کنترل هیجانات مانع از این شد که زال تحت تأثیر هیجانات منفی (خشم و کمک نکردن از روی عصبانیت) قرار بگیرد. داستان زال و رودابه یکی از مهم‌ترین داستان‌های عاشقانه شاهنامه فردوسی است. هنگام دیدار زال با مهراب یکی از حاضران جمع او را آگاه می‌سازد که مهراب دختری دارد، سروقد، زیباروی، مشکین‌موی که در جمال و کمال همانند ندارد. وصف رخسار دخت مهراب دل زال را نادیده می‌راید و از جان شیفته و دلداده او می‌شود.



۴-۵. بعد اجتماعی / فرهنگی

همان‌طور که نتایج حاصل از تحلیل محتوا نشان می‌دهد یکی از عوامل خردمندی بعد اجتماعی / فرهنگی نام دارد. بعد اجتماعی / فرهنگی بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای خردمندی در شخصیت زال، مؤلفه‌های ارتباط، کسب تجارب و ارزش‌های فرهنگی را شامل می‌شود. بر این اساس، یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز خردمندی ارتباط (مشورت با بزرگان، سفر و ارتباط با دیگر جوامع و فرهنگ‌ها، تشکیل انجمن‌ها، گفتن رأی و اندیشه خود با مشاوران، همراهی با بزرگان)، کسب تجارب (درگیر بودن در فراز و نشیب‌ها، آموختن امور زندگی، آموزش دیدن، پذیرش پند و نصیحت‌ها، کسب هنرها (مهارت‌ها و توانایی‌ها)، مواجهه شدن با مشکلات و درس آموختن، پرسش کردن، جهان‌دیده، سال‌ها زندگی کردن) و ارزش‌های فرهنگی (جلوگیری از نابودی ارزش‌ها، آموختن ارزش‌ها و راه و رسم فرهنگ کشوری - پهلوانی، پیمان بستن، حفظ راه و رسم، دفاع از فرهنگ و کشور، نابودی ظالمان و ستمگران، مراقب و نگهبان بودن، برقراری صلح و آرامش و آشتی) یا به‌طور کلی بعد اجتماعی / فرهنگی است. از این رو بعد اجتماعی / فرهنگی به‌عنوان یکی از عوامل خردمندی، افراد را در محیط اجتماع جهت انجام امور زندگی آماده می‌کند که چگونه بتواند در محیط اجتماع به‌گونه‌ای سازگار زندگی کنند. توجه به بعد اجتماعی / فرهنگی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا فراهم کردن محیط و شرایط مناسب (کسب تجربه، ارتباط، ارزش‌های فرهنگی) زمینه خردمند شدن افراد (شخصیت‌های سالم) را فراهم می‌کند. برای نمونه، می‌توان به تربیت و پرورش زال توسط سیمرغ اشاره کرد. آنچه در خصوص زال اهمیت دارد، داستان تولد و زندگی اوست، نحوه زندگی سخت زال منتهی به ایجاد نیروی کمال‌جویی و خودآگاهی در زال می‌شود. آنچه از داستان زال برگرفته می‌شود؛ جدایی از دامن مادر، بالیدن در آشیانه سیمرغ است که نشانه‌های رشد بعد اجتماعی و فرهنگی در شخصیت زال است.

۵. نتیجه

از آنجا که برای هدایت انسان چیزی مهم‌تر از خرد وجود ندارد (Po Keung, 2011) و بافت فرهنگی (محیط زندگی، نوع آموزش‌های دریافتی) نقش مهمی در شکل‌گیری مفهوم خرد و خردمندی ایفا می‌کند، این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی ویژگی‌های رفتار خردمندانه در شخصیت زال بر اساس مدل سه‌بعدی خرد آردلت به منظور رسیدن به تعریفی از خرد بر اساس فرهنگ ایران انجام شده است.

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل خرد بر اساس شخصیت زال مانند بعدها (معنوی، شناختی، تأملی، هیجانی، اجتماعی/ فرهنگی) با یافته‌های استادینگر و گلوک (۲۰۱۱)، پالوس و همکاران (۲۰۰۲)، لی و لوینسون (۲۰۰۵)، روچ (۲۰۰۸)، جیسون و همکاران (۲۰۰۱)، آردلت (۱۹۹۷)، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵)، استرنبرگ (۱۹۸۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱)، کلیتون و بیرن (۱۹۸۰)، بلوک و گلوک (۲۰۰۵)، گلوک و بلوک (۲۰۱۱)، لویت (۱۹۹۹)، هالیدی و چندلر (۱۹۸۶)، چن و همکاران (۲۰۱۴)، تایلور و بیتز و بیستر (۲۰۱۱)، هو (۲۰۱۵)، براون (۲۰۰۲)، بالتز و کنزمان (۲۰۰۳)، وبستر (۲۰۱۰)، لریک، ماس و سول (۲۰۱۲) و کردنوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۴، ۱۳۹۵) مطابقت دارد.

نتایج پژوهش نشان داد بعد معنوی (دینداری و اخلاق) به‌دست آمده از نظر فردوسی بر اساس شخصیت زال با پژوهش پالوس و همکاران (۲۰۰۲)، جیسون و همکاران (۲۰۰۱)، کردنوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۴، ۱۳۹۵) همسوست. اهمیت بعد معنوی خرد را می‌توان در پژوهش‌ها به‌طور غیرمستقیم مشاهده کرد. برای نمونه پالوس و همکاران (۲۰۰۲) اشاره کرده‌اند که بیشتر افراد شرکت‌کننده در پژوهش رهبران مذهبی را به‌عنوان خردمند معرفی می‌کنند. از سوی دیگر جیسون و همکاران (۲۰۰۱) نیز به نقش بُعد معنوی در خردمندی اشاره کرده‌اند. همچنین کردنوقابی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۴، ۱۳۹۵) بر اساس نظریه‌های ضمنی خرد نشان دادند که یکی از مؤلفه‌های اساسی خردمندی دینداری (معنویت) است. بنابراین، این پژوهش‌ها بیانگر ارتباط معنویت با حوزه خرد در حال ظهور هستند (Le & Levenson, ۲۰۰۳).



(2005; Rosch, 2008). مؤلفه دوم خردمندی بر اساس بررسی شخصیت زال، بعد شناختی (تفکر و آگاهی) نام دارد. از این رو، بعد شناختی خرد از نظر فردوسی با نظر آردلت (۲۰۱۱)، (۲۰۱۵، ۲۰۰۳) همسوست؛ زیرا بعد شناختی به عنوان یکی از مؤلفه‌های خرد از نظر آردلت شامل درک معنای اصلی و عمیق پدیده‌ها، درک جنبه‌های مثبت و منفی طبیعت بشر، محدودیت ذاتی دانش و غیرقابل پیش‌بینی بودن و عدم قطعیت زندگی است. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت که شناخت صحیح امور (اعم از تفکر/ آگاهی) ملاکی بسیار مهم برای خردمندی است؛ زیرا زمانی که افراد به لحاظ شناختی، به درستی عمل می‌کنند، در برخورد با محرک‌های نابهنجار می‌توانند رفتار خود را کنترل و بر محرک‌های منزجرکننده مسلط شوند؛ همان‌طور که زال بند و ترفند جهان را می‌شناسد و پیوندی آشکار و نهان با نیروهای مرموز درون جهان دارد و از دانش، آگاهی و شناخت رویدادها برخوردار است. بر اساس نظر فردوسی، بعد تأملی (ادراک حقایق، عدم ذهنیت گرایی/ فرافکنی) خرد به درک عمیق پدیده‌ها اشاره دارد. رسیدن به درک عمیق‌تر از زندگی تنها از این طریق ممکن است که فرد واقعیت را همان‌طور که هستند ببیند و تحریف عمده‌ای در آن ایجاد نکند. برای این کار فرد باید بتواند پدیده‌ها را از چشم‌اندازهای گوناگون ببیند که خود باعث رشد خودآگاهی می‌شود؛ یعنی بینش فرد را از خودش افزایش می‌دهد. بنابراین، بعد تأملی خرد از نظر فردوسی با بعد تأملی (خودآزمایی، خودآگاهی و توانایی مشاهده پدیده‌ها از زوایای مختلف) مطرح شده در نظریه آردلت (۲۰۰۳) همسوست. زال با ضمیر روشنی که حاصل تجربیات طولانی است، برخی حوادث تلخ پیش رو را دردمندانه حدس می‌زند که بیانگر توانایی زال در پیش‌بینی امور و تأمل نگری است.

به روشن‌دل از دور باده‌ها بدید / که زین بر زمانه چه خواهد رسید

(فردوسی، ۱۳۸۲)

برای نمونه، بلوک و گلوک (2005) نشان دادند که تأمل و بازنگری به تفکر عمیق درباره چیزها، انسان‌ها، خودشان و نیز تفکر قبل از حرف و عمل اشاره دارد. بعد هیجانی خرد از نظر

فردوسی دو زیرمؤلفه همدلی/ عاطفی و حمایت/ خدمت کردن را شامل می‌شود که با پژوهش هالیدی و چندلر (۱۹۸۶) و چن همکاران (۲۰۱۴) همسوست؛ زیرا آن‌ها بعد عاطفی را در کنار بعد شناختی به عنوان ویژگی‌های خردمندی مطرح کردند. بعد هیجانی مطرح شده از نظر فردوسی با بعد عاطفی (نگرشی همدلانه و مثبت، نسبت به دیگران) بیان شده توسط آردلت (۲۰۰۴) و بعد همدلی/ حمایت (درک احساسات دیگران و کمک کردن به افراد، راهنما بودن) بیان شده توسط کردنوقایی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۴، ۱۳۹۵) مطابقت دارد. همچنین ویژگی حمایت/ خدمت کردن زیرمجموعه بعد هیجانی با دیدگاه استرنبرگ (۱۹۹۸) و آردلت (۲۰۰۸) همسوست؛ زیرا آن‌ها نشان دادند که کمک کردن به دیگران با خرد ارتباط دارد. در این دیدگاه‌ها خیرخواهی و کمک به دیگران در درجه نخست به نیت اشاره دارد. نیت اصلی در این نظریه‌ها کاهش درد و رنج دیگران و تلاش برای رساندن دیگران به رفاه است. به طور کلی افراد خردمند عمیقاً اهداف خیرخواهانه دارند و در پی رفاه و منافع دیگران هستند؛ زیرا به نظر آردلت افراد خردمند از سطح علائق شخصی خود فراتر می‌روند و به فکر رفاه و سلامتی دیگران نیز هستند. یکی از مهم‌ترین وظایف زال در حماسه ملی ایران، ارائه رهنمود و موعظه دادن به شاهان و بزرگان جامعه است؛ مسئولیتی که سایر نمادهای پیر خردمند در اساطیر مختلف کمابیش بر عهده دارند (Gollnick, 1991). زال در سراسر زندگی پرنشیب و فراز خود همواره مشاوره‌ی امین و معتمد و کارآمد برای بزرگان است و در اوضاع بحرانی نخستین کسی است که گره‌گشای معضلات به شمار می‌رود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۳).

در بعد عاطفی خرد به هیجانات مثبت نسبت به دیگران نیز تأکید شده است. از نظر آردلت دوست داشتن و عشق نسبت به دیگران از پایه‌های خرد محسوب می‌شود و در کنار ابعاد دیگر برای رشد خرد ضروری به نظر می‌رسد. کردنوقایی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۴) نشان دادند که مهم‌ترین ویژگی خردمند بودن شخصیت‌های تاریخی خدمت کردن (کمک کردن مادی و معنوی) است. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های افراد خردمند داشتن کنترل هیجانات است. بعد اجتماعی/ فرهنگی بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای



خردمندی در شخصیت زال، مؤلفه‌های ارتباط، کسب تجارب و ارزش‌های فرهنگی را شامل می‌شود که می‌تواند با دیدگاه براوان (۲۰۰۲) همسو باشد. بر اساس دیدگاه براوان رشد خرد با یادگیری و کسب تجربه در ارتباط است؛ زیرا تجربه (شامل هر نوع فعالیت رسمی و غیررسمی می‌شود) و تعامل با دیگران (شامل ارتباط با دیگران در محیط‌های مختلف و افراد متفاوت) برای رشد خرد لازم است. ارتباط زال با سیمرغ به روایت فردوسی، خود دلیلی بر اهمیت بعد اجتماعی/ فرهنگی است. بر این اساس افراد خردمند تعاملات گسترده‌ای دارند. بنابراین، محیط و فرهنگ هر جامعه نقش مهمی در رشد خرد و تشکیل دیدگاه‌ها در این زمینه دارد. در زمینه نقش ارزش‌ها در پرورش مفهوم خرد بر اساس تحلیل شخصیت زال، می‌توان به نظریه استرنبرگ (۱۹۹۸) اشاره کرد. از دیدگاه استرنبرگ ارزش‌ها در تعریف خیر و مصلحت عمومی نقش اساسی دارند، هر چند ارزش‌ها از نظام اعتقادی و فلسفی فرد سرچشمه می‌گیرند. بر اساس نظریه تعادل، افراد بنا به اهداف و ارزش‌ها و علایق با محیط سازگار می‌شوند، محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند و یا موقعیت را ترک می‌کنند که برقراری تعادل در این راستا نشانه خرد است. همچنین، بر اساس دیدگاه یانگ (۲۰۱۴) می‌توان گفت خرد و اجتماع ارتباط نزدیکی دارند. یانگ معتقد است آثار مثبت خرد اجتماع را به شکل مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. افراد خردمند در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که از نظر آن‌ها تأثیر مثبت دارند شرکت می‌کنند که باعث تأثیرگذاری بر اجتماع می‌شود. همچنین یانگ مشارکت در جامعه انسانی برای فهم هنجارها و قوانین اجتماعی را برای ظهور خرد در زندگی واقعی ضروری می‌داند. خرد محصول درگیری واقعی با مسائل زندگی و بودن در متن جامعه و همراهی با مردم برای حل مشکلات به شکل جمعی است. برای حل مسائل مهم زندگی واقعی شخص نیاز دارد به‌عنوان عضوی از جامعه دانش و مهارت خود را به‌کار بگیرد. بسیاری از تجارب غنی که آموزه‌های ناب خرد در آن‌ها نهفته است از حضور فعال در اجتماع به دست می‌آید.

بنابراین می‌توان بیان کرد که طبق دیدگاه فردوسی خردمندی یک ویژگی شخصیتی است که پنج مؤلفه: ۱. معنویت (دینداری و اخلاق) ۲. شناخت (تفکر/ آگاهی) ۳. تأملی (درک

حقایق و عدم ذهنیت‌گرایی/ فرافکنی) ۴. هیجانی (همدلی/ عاطفه و حمایت/ خدمت) ۵. اجتماعی و فرهنگی (ارتباط و تجارب و ارزش‌های فرهنگی) را در بردارد. از این رو، بر اساس دیدگاه فردوسی افراد زمانی خردمند شناخته می‌شوند که این پنج مؤلفه در آن‌ها پرورش و رشد کرده باشد. همچنین، وجود این مؤلفه‌ها از نظر فردوسی شرط لازم برای خردمندی است.

بین دیدگاه فردوسی با نظریه آردلت درمورد خردمندی از نظر مؤلفه‌های شناختی، تأملی و هیجانی شباهت وجود دارد؛ زیرا از نظر آردلت خرد ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بعد گسترده، شناختی، تأملی و عاطفی است؛ اما بین دیدگاه فردوسی با نظریه آردلت درمورد خردمندی، در بعد معنوی و بعد اجتماعی/ فرهنگی تفاوت دیده می‌شود؛ زیرا از نظر فردوسی وجود بعدهای معنویت و اجتماعی/ فرهنگی در کنار بعدهای شناختی، تأملی و هیجانی برای خردمندی لازم هستند. این تفاوت احتمالاً ناشی از تأثیر محیط و فرهنگ و به‌طور کلی بافت زندگی است؛ زیرا مفهوم خرد بر اساس فرهنگ جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوتی تعریف شده است و نظریه‌پردازان مختلف هر کدام دیدگاه متفاوتی از خرد ارائه داده‌اند. همچنین از آنجا که انسان موجودی اجتماعی و به لحاظ فطری معنویت‌گراست، فردوسی به آن‌ها در رشد خرد توجه کرده است. از سوی دیگر می‌توان بیان کرد که فردوسی فراتر از زمان خود با دیدی جامع به مفهوم خرد توجه داشته است؛ به‌نحوی که با مشاهده نظریه‌پردازان در حوزه خرد می‌بینیم که هر کدام بر جنبه‌ای از خرد تأکید کرده‌اند. بنابراین، بر اساس نظریه‌پردازی فردوسی با توجه به بافت فرهنگی ایران، خردمندی سازه‌ای است که ۵ بعد دارد: معنوی، شناخت، تأملی، هیجانی، اجتماعی و فرهنگی.

پی‌نوشت

1. wisdom
2. Yung
3. Russle
4. Scott C. Brown
5. self-knowledge
6. contradiction



7. Wealtz
8. Rousso
9. Decartes
10. Balance Theory of Wisdom
11. Process view of wisdom
12. Ivan Brezina
13. Jan Pieter
14. Takahashi & Bordia
15. Hu

منابع

- احمدی، حمید و مهدی حسنی باقری شریف‌آباد (۱۳۸۹). «خرد سیاسی در شاهنامه فردوسی». *سیاست*. د ۴. ش ۱۵. صص ۲۱-۴۰.
- علی احمدی، علیرضا و وحیدسعید نهایی (۱۳۸۶). *توصیفی جامع از روش‌های تحقیق (پارادایم‌ها، استراتژی‌ها، طرح‌ها و رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی)*. ناشر: تولید دانش.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *زیر آسمانه‌های نور*. تهران: افکار
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۸). *دانشنامه‌ی مزدیسنا (واژه‌نامه‌ی توضیحی آیین زرتشت)*. تهران: مرکز.
- ترابی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی ادبیات*. تبریز: فروغ آزادی.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۷). *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*. تهران: ناهید.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۸۰). *فردوسی*. تهران: طرح نو.
- شریفی، حسن پاشا و نسرین شریفی (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: سخن.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۸۳). «مفهوم خرد و خاستگاه‌های آن در شاهنامه». *مطالعات ایرانی*. ش ۵. صص ۶۵-۹۲.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *حماسه‌سرایی در ایران*. چ ۵. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *شاهنامه* (متن کامل بر اساس چاپ مسکو). به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- کردنوقابی، رسول (۱۳۹۶). *روان‌شناسی خرد*. تهران: ارجمند.
- _____ و همکاران (۱۳۹۴). «دیدگاه سالمندان درمورد خرد و مؤلفه‌های آن: روانشناسی خرد». *روان‌شناسی پیری*. د ۱. ش ۳. صص ۱۸۹-۱۹۷.

- _____ و همکاران (۱۳۹۵). «نظریه‌های ضمنی خرد در ایران: بررسی پدیدارشناختی». *پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی*. س ۲. ش ۳. صص ۷۸-۱۰۵.
- مشایخی، منصوره (۱۳۸۸). «ارتباط خرد و شادی در شاهنامه فردوسی و مطابقت آن با شعر چند شاعر فارسی و عربی زبان». *ادبیات تطبیقی*. ش ۱۱. صص ۲۱۳-۲۳۳.
- ملک محمدی و همکاران (۱۳۹۳). «ارزیابی کیفی و کمی مفهوم خرد بر اساس تحلیل عامل غیرخطی». *افراد استثنایی*. ش ۱۳. صص ۶۷-۱۰۰.
- مورنو، آنتونیو (۱۳۸۶). *یونگ، خدایان و انسان مدرن*. ترجمه داریوش مهرجویی. تهران: مرکز.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۸). *نقد مال*. تهران: خوارزمی.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷). *انسان و سمبل‌هایش*. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- _____ (۱۳۸۳). *روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه*. ترجمه محمدعلی امیری. تهران: علمی فرهنگی.

- Ardelt, M. (1997). «Wisdom and life satisfaction in old age». *J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci*. no.52. pp.15-27.
- (2003). «Development and empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale». *Research on Aging*, no. 25. pp. 275-324.
- (2004). *Wisdom as expert knowledge system: A critical review of a contemporary operationalization of an ancient concept*. *Human Development*. no. 47(5). Pp. 257-285.
- (2008). *Being wise at any age*. Ed. S. L. Lopez.. *Positive psychology: Exploring the best in people*. no, pp.81-108.
- (2009). «'How similar are wise men and women? A Comparison Across Two Age Cohorts'». *Research in Human Development*. no. 6(1). pp. 9 - 26.
- (2011). «The measurement of wisdom: A commentary on Taylor, Bates, and Webster's comparison of the SAWS and 3D-WS». *Experimental Aging Research*. no. 37(2). Pp. 241-255.
- (2012). «Self-reported wisdom and happiness: An empirical investigation». *Happiness study*. no. 13. Pp. 481-499.
- (2015). «Disentangling the relations between wisdom and different types of Well-Being in Old Age: Findings from a Short-Term Longitudinal Study». *Journal of Happiness Studies*. no. 24. Pp. 26-51. DOI 10.1007/s10902-015-9680-2



- Baltes, P. B. & U. Kunzmann (2003). *Wisdom. Psychologist*, 16.Pp. 131-133.
- Brezina. I. & J. Piter (2012). «Donational cultures or religions shape conceptions of wisdom». *Journal of studi a psychological*.no.54.Pp. 299-311
- Brown, S. C. (2002). «A model for wisdom development and its place in career services». *Journal of Career Planning and Employment*.Pp. 29-36.
- Chandler, M. J. & S. Holliday (1990). "Wisdom in post apocalyptic age". R. J. Sternberg (Ed.). *Wisdom: Its nature, origins, and development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chen, L. M. & et al. (2014). «Educator's implicit perspectives on wisdom: A comparison between interpersonal and intrapersonal perspective. Interpersonal and intrpersonal perspectives». *International Journal of psychology*.no. 49(6).Pp. 425-433.
- Clayton, V.P. & J.E. Birren (1980). "The development of wisdom a cross the lifespan: are examination of an ancient topic,"in *Lifespan. Development and Behavior*, 3, Eds P.B. Baltes and O.G. Brim (San Diego, CA: Academic Press),Pp. 103–135. New York: Academic press.
- Gluck, J. & S. Bluck (2011). « Laypeople's conceptions of wisdom and its development: Cognitive and integrative views». *Journals of Gerontology: Psychological Sciences*.no. 66(3).Pp. 321-324
- Gluck, J. & et al.(2010). « "Knows what are good and bad,"Can teach you things,"Does lots of crosswords": Children's knowledge about wisdom». *European Journal of Developmental Psychology*.
- Gollnick, James Timothy (1991), *Comparative studies in Merlin, from the Vedas to C.G. Jung*. Lewiston: Edwin Mellen.
- Holliday, S. G., & M. J. Chandler (1986). *Wisdom: Exploration in adult competence*. New York: Karger.
- Hu, C. S. (2015). *Measurement of wisdom among Mainland Chinese*. (Doctoral Dissertation). University of Toronto.
- Jason, L. A. & et al. (2001). «The measurement of wisdom: A preliminary effort». *Journal of Community Psychology*. no. 29(5).Pp. 585-598.
- Kordnoghi, R. & A. Delfan Beiranvand (2017). «Wisdom, Intelligence, Creativity». *International Journal of Education and Learning*.no.6.pp.1-20
- Kunzmann, U. & P. Baltes (2005). *The Psychology of Wisdom: Theoretical and empirical challenges*. R.J. Sternberg and J. Jordan (Eds.). A handbook of wisdom, Cambridge University Press.

- Le, T., & M. R. Levenson (2005). «Wisdom: what's love (and culture) have to do with it? ». *Journal of Research in personality*.no. 39, Pp.443-457.
- Paulhus, D. L. & et al. (2002). «Use of exemplar surveys to reveal implicit types of intelligence». *Personality and social psychology Bulletin*.no. 28.Pp.1051-1062.
- Peterson, C., & M. Seligman (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. Oxford: Oxford University Press.
- Po Keung, I.P. (2011). «“Kingly governance as wise management” », paper presented at the *International Conference on Wise Management in Organizational Complexity Shanghai, China*, available at: <http://www.ceibs.edu/ecclar/images>,
- Prewitt, V. R. (2000). *The constructs of wisdom: In human development and consciousness*. Fielding Institute.
- Rosch, E. (2008). *Beginner's mind: paths to the wisdom that is not learned*. In M. Ferrari & G. potworowski (Eds.), *Teaching for wisdom*. pp.43-62. Heidelberg, Germany: Springer.
- Staudinger, M. U. & J. Gluck (2011). «Psychological wisdom research: Commonalities and differences in a growing field». *Annual Review of Psychology*.no. 62.Pp. 215-241.
- Sternberg, R. J. (1986). «Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom». *Journal of Personality and Social Psychology*.no. 49 (1).PP. 607-627.
- (1998). «A balance theory of wisdom». *Review of General Psychology*.no. 2.Pp. 347-65.
- (2001). «Why schools should teach for wisdom: The balance theory of wisdom in educational settings». *Educational Psychologist*.no. 36(4).Pp. 227-245.
- (2004). «Words to the wise? ». *Human Development*.no. 47. Pp. 286-289.
- & J. L. Lubart (2001). *Wisdom and Creativity*. In Birren, J, E. and Schia, K. (Ed), *Handbook of the Psychology of Aging*. PP.500-511. United States of America: Acadmic press.
- Takahashi, M., & P. Bordia (2000). «The concept of wisdom: A cross-cultural comparison». *International Journal of Psychology*.no. 35. Pp.1–9.
- Webster, J. D. (2003). «An exploratory analysis of a Self-Assessed Wisdom Scale». *Journal of Adult Development*.no. 10(1).Pp. 13-22.



- (2011). «Wisdom and positive psychosocial values in young adulthood». *J. Adult Dev.* No.17.Pp. 70–80.
- Yang, S.y. (2014). « Wisdom and good lives: A process persective». *New Idead in psychology*.no. 31 (3). pp. 194-201.